

به نام خدا

### فهرست مطالب

|         |  |
|---------|--|
| ۱.....  | چکیده  |
| ۱.....  | مقدمه  |
| ۵.....  | ۱. کانادا  |
| ۶.....  | ۱-۱. چه کسانی می‌توانند رأی بدهند؟   |
| ۹.....  | ۱-۲. افراد به چه کسانی می‌توانند رأی دهند؟   |
| ۹.....  | ۱-۳. برگزاری انتخابات  |
| ۱۲..... | ۱-۴. مقررات انتخاب: مقررات سیاسی و مالی مربوط به رأی‌دهی   |
| ۱۳..... | ۱-۵. درآمد احزاب: سقف درآمدها، محدودیت منابع درآمدها و مقررات مربوط به افشای درآمدها                                       |
| ۱۳..... | ۱-۶. هزینه‌های انتخاباتی احزاب: مقررات مربوط به سقف هزینه‌های انتخاباتی و افشای آنها                                       |
| ۱۴..... | ۱-۷. کمک‌های مالی عمومی (دولتی) مستقیم و غیرمستقیم   |
| ۱۵..... | ۱-۸. میزان جمعیت شرکت‌کننده در انتخابات  |
| ۱۵..... | ۲. ایالات متحده  |
| ۱۵..... | ۲-۱. نظام انتخاباتی  |
| ۱۷..... | ۲-۲. چه کسانی می‌توانند رأی بدهند؟   |
| ۲۰..... | ۲-۳. مردم به چه کسانی می‌توانند رأی بدهند؟   |
| ۲۰..... | ۲-۴. برگزاری انتخابات  |
| ۲۱..... | ۲-۵. رأی‌دهی   |
| ۲۵..... | ۲-۶. مقررات انتخابات: مقررات سیاسی و مالی مربوط به رأی‌دهی   |
| ۲۵..... | ۲-۷. درآمدها و هزینه‌های احزاب: سقف درآمدها و هزینه‌ها، محدودیت‌های وضع شده بر منابع درآمدها، و مقررات مربوط به افشای آنها |
| ۲۵..... | ۲-۸. کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم دولتی  |

## فرآیند رأی‌گیری و انتخابات در کشورهای مختلف (۱)

### (کانادا، ایالات متحده و بریتانیا)

|    |  |
|----|--|
| ۲۶ | ۲-۹. میزان جمعیت شرکت کننده در انتخابات                    |
| ۲۶ | ۳. بریتانیا  |
| ۲۶ | ۳-۱. نظام انتخاباتی  |
| ۲۸ | ۳-۲. چه کسانی می توانند رأی بدهند؟                         |
| ۳۱ | ۳-۳. مردم به چه کسانی می توانند رأی بدهند؟                 |
| ۳۱ | ۳-۴. برگزاری انتخابات                                      |
| ۳۲ | ۳-۵. نقش کمیسیون انتخابات                                  |
| ۳۳ | ۳-۶. رأی دهی   |
| ۳۴ | ۳-۷. مقررات انتخابات: مقررات مالی و سیاسی مربوط به رأی دهی |
| ۳۵ | ۳-۸. کمک های مستقیم و غیرمستقیم دولتی                      |
| ۳۵ | ۳-۹. میزان جمعیت شرکت کننده در انتخابات                    |
| ۳۶ | منبع و مأخذ  |



## فرآیند رأی‌گیری و انتخابات در کشورهای مختلف (۱)\* (کانادا، ایالات متحده و بریتانیا)

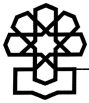
### چکیده

بدون تردید شناخت فرآیندها و نظام انتخاباتی کشورهای مختلف و مقایسه آنها و درک نقاط ضعف و قوت این ساختارها می‌تواند کمک مؤثری در جهت اصلاح قوانین با توجه به تجارب موفق سایر کشورها داشته باشد. در این راستای مجموعه گزارش‌هایی، فرآیند رأی‌دهی و انتخابات در کشورهای مختلف جهت آشنایی بیشتر با تجارب سایر کشورها بررسی می‌شود.

### مقدمه

حق رأی عمومی عبارت است از اینکه تمامی افراد بزرگسال یک کشور صرف‌نظر از تفاوت‌هایی که به لحاظ نژاد، جنسیت، عقیده، بهره‌هوشی، یا جایگاه اقتصادی و اجتماعی با هم دارند از حق رأی دادن بهره‌مند باشند. حق رأی عمومی ممکن است براساس سن و سال، جنسیت، ملیت، نژاد، مذهب، ثروت، تولد (جایگاه اجتماعی موروثی)، سواد، یا ارتکاب برخی جرائم در گذشته از عده‌ای دریغ شود. نخستین

\* این گزارش ترجمه سه فصل از کتاب "Voting and Elections The World Over" می‌باشد که در سال ۲۰۰۹ به چاپ رسیده است.



جنبشی که درصدد کسب حق رأی عمومی برآمد در اوایل قرن نوزدهم شکل گرفت، این جنبش خواهان حذف شرط بهره‌مندی از میزان معینی دارایی برای رأی‌دهی بود. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم جنبش کسب حق رأی عمومی تلاش‌های خود را معطوف به حذف محدودیت‌هایی کرد که مانع از بهره‌مندی زنان از حق رأی‌دهی می‌شدند.

اعطای حق رأی‌دهی به زنان برای نخستین بار در سال ۱۷۷۶ در ایالت نیوجرسی صورت گرفت و واژه «ساکنان» جایگزین واژه «مردان» شد، اما در سال ۱۸۰۷ بار دیگر این حق از زنان سلب شد. کشورها و ایالت‌های دیگری نیز در نیمه پایانی قرن نوزدهم حق رأی محدودی به زنان اعطا کردند، پیش‌تاز این دولت‌ها، استرالیا، جنوبی بود که در سال ۱۸۹۴ به این امر اقدام کرد. حق رأی‌دهی نامحدود به زنان (زنان در ابتدا حق کاندیدا شدن نداشتند) در یک کشور بزرگ، نخستین بار در نیوزیلند اعطا شد. نخستین کشوری هم که به زنان هم حق رأی‌دهی و هم حق کاندیداتوری در انتخابات پارلمان داد، استرالیا، جنوبی بود که در سال ۱۸۹۴ به این امر مبادرت کرد.

از نظر تاریخی واژه دمکراسی در قرن پنجم پیش از میلاد مسیح در یونان باستان ابداع شد. عموماً آتن را نخستین نمونه نظام سیاسی می‌دانند که با برخی از ملل معاصر که از حاکمیت دمکراتیک بهره‌مندند انطباق داشت. با این حال فقط تعداد اندکی از مردم آتن از حق رأی‌دهی برخوردار بودند: زنان، بردگان و بیگانگان از این حق محروم بودند. تنها حدود ۱۶ درصد از کل جمعیت آتن از حق رأی‌دهی بهره‌مند بودند (یعنی شهروندان یونانی مذکر). طبق گزارش‌های خانه آزادی (فریدوم هوس)



در سال ۱۹۰۰ هیچ دمکراسی لیبرالی با حق رأی عمومی در جهان وجود نداشت. در سال ۲۰۰۷، ۱۲۱ دمکراسی انتخاباتی در جهان وجود داشت که از این تعداد ۹۰ کشور، دمکراسی لیبرال محسوب می‌شوند. باید همواره این مسئله پرهامیت را به یاد داشته باشیم که هر چند دمکراسی نمی‌تواند بدون انتخابات وجود داشته باشد، اما دمکراسی چیزی فراتر از صرف برگزاری انتخابات است. امروزه محروم ساختن برخی از افراد به خاطر سن و سال و در برخی کشورها به خاطر جرائمی که افراد قبلاً مرتکب شده‌اند، تنها محدودیت‌هایی هستند که از منظر دمکراتیک قابل پذیرش هستند.

برخی از مناطق، همچون اتحادیه اروپا سیاست‌هایی اتخاذ کرده‌اند تا شهروندان سایر کشورها، شهروندان کشورهای عضو اتحادیه اروپا و چه شهروندان کشورهای غیرعضو، هم در کشورهای عضو این اتحادیه از حق رأی برخوردار شوند. در گزارشی که در سال ۱۹۸۶ به پارلمان اروپا ارائه شد، کمیسیون اروپا خواهان اجازه دادن به تمامی شهروندان عضو اتحادیه برای رأی‌دهی در انتخابات محلی و مکان زندگی خود صرفنظر از ملیت‌شان شد. بعدها پیمان ماستریخت (۱۹۹۲) به تمامی شهروندان اتحادیه اروپا که یک دولت عضو دیگر، غیر از کشور خود، اقامت داشتند این اجازه را داد تا در انتخابات‌های محلی از حق رأی‌دهی و کاندیدا شدن بهره‌مند باشند. هر چند دولت‌هایی که پیمان ماستریخت را امضا کردند قوانین اساسی خود را با هدف اجازه دادن به افراد تابع کشورهای عضو اتحادیه برای رأی‌دهی اصلاح کردند، اما براساس پیمان فوق تمامی دولت‌های از این حق برخوردار بودند تا مقرراتی برای محدودسازی این قاعده وضع کنند. هر دولت این حق را داشت که شرایط اقامت در کشور خود را برای بهره‌مندی افراد تابع کشورهای عضو اتحادیه



اروپا از حق رأی‌دهی و کاندیدا شدن در انتخابات پارلمان اروپا و انتخابات شهرداری‌ها تعیین کند. فرانسه در اختیار گرفتن برخی پست‌ها (نظیر پست شهردار) توسط غیرفرانسوی‌ها را ممنوع کرد، همچنین دستورالعمل سال ۱۹۹۴ که توسط اتحادیه اروپا تصویب شد شامل مقرراتی بود که قاعده فوق را محدود می‌ساخت. مطابق این دستورالعمل در آن دسته از دولت‌های عضو اتحادیه که جمعیت شهروندان اروپایی مقیم آنها که به سن رأی‌دهی رسیده‌اند بیش از ۲۰ درصد کل رأی‌دهندگان آن دولت‌ها را تشکیل می‌دهد آن دولت می‌تواند حق رأی‌دهی آنها را مشروط به یک دوره کوتاه اقامت در آن کشور کند. تنها لوکزامبورگ طبق این دستورالعمل حق رأی را محدود به آن دسته از شهروندان غیرلوکزامبورگی اما تابع اتحادیه اروپا کرد که از ۶ سال از هفت سال گذشته قبل از ثبت‌نام از رأی‌دهندگان در خاک این کشور اقامت داشته‌اند. این بدان خاطر بود که در این کشور ۲۸/۷ درصد کل رأی‌دهندگان، شهروندان غیرلوکزامبورگی اما تابع اتحادیه اروپا بودند و بنابراین اقدام این دولت در محدودسازی درست بود.

آن دسته از دولت‌های عضو اتحادیه اروپا که اقدام به اعطای حقوق انتخاباتی به شهروندان کشورهای غیرعضو اتحادیه کرده‌اند عبارتند از ایرلند (۱۹۶۳)، سوئد (۱۹۷۵)، دانمارک (۱۹۸۱)، فنلاند (۱۹۷۶) و هلند (۱۹۸۵). این کشورها حدود ۳۰ سال پیش از امضای پیمان ماستریخت اقدام به اعطای حقوق انتخاباتی به بیگانگان کردند. به‌علاوه اسپانیا (۱۹۷۸) و پرتغال (۱۹۷۶) به برخی از خارجی‌ها براساس اصل مقابله به مثل و یا به برخی از ملیت‌های خاص حق رأی‌دهی اعطا کردند. بریتانیا از ۱۹۴۹ به شهروندان عضو جامعه کشورهای مشترک‌المنافع اجازه مشارکت در انتخابات محلی خود را داده



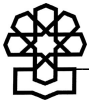
است. در استونی غیرشهروندانی که به‌طور قانونی در این کشور اقامت دارند اجازه مشارکت در انتخابات ملی داده نمی‌شود اما این افراد می‌توانند در انتخابات‌های محلی رأی بدهند (هر چند تنها شهروندان استونیایی می‌توانند در انتخابات کاندیدا شوند). حق رأی‌دهی در انتخابات‌های محلی به تمامی افرادی که به‌طور قانونی در کشور اقامت دارند، صرف‌نظر از کشور اصلی‌شان، داده می‌شود البته به شرط اینکه این افراد حداقل ۵ سال در محدوده آن جامعه محلی زندگی کرده باشند.

### ۱. کانادا

کانادا یک پادشاهی مشروطه است و نظام حکومتی این کشور یک نظام پارلمانی است. پارلمان فدرال کانادا متشکل است از یک حاکم (فرماندار کل)، سنا (که اعضایش توسط فرماندار کل و از میان افرادی که از سوی نخست‌وزیر پیشنهاد می‌شوند منصوب می‌شوند) و مجلس عوام (که اعضایش توسط شهروندان کانادا از طریق انتخابات عمومی‌ای که هر پنج سال یک‌بار برگزار می‌شود انتخاب می‌شوند).

نظام انتخاباتی کانادا یک نظام «اکثریتی ساده» - که نظام اکثریتی تک‌نماینده‌ای هم نامیده می‌شود - است. در این نظام کاندیدایی که بیشترین آرا را در یک حوزه انتخابیه کسب کنند تک‌کرسی‌ای که در مجلس عوام به آن حوزه انتخابیه اختصاص یافته است را از آن خود می‌کند و به این ترتیب به‌عنوان عضوی از پارلمان نماینده آن حوزه انتخابیه محسوب می‌شود.

انتخاب نمایندگان مجلس عوام مبتنی‌بر حوزه‌های انتخابیه (که حوزه‌های انتخاباتی یا مناطق انتخاباتی هم نامیده می‌شوند) است. از هر حوزه انتخابیه یک



نماینده برای حضور در مجلس عوام انتخاب می‌شود. تعداد حوزه‌های انتخابیه از طریق فرمولی که در قانون اساسی کانادا مشخص شده، تعیین می‌شود و مرزهای این حوزه توسط کمیسیون‌هایی مستقل و براساس میزان جمعیت و پیوندهای اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد. هر ده سال یک‌بار، یعنی پس از هر بار سرشماری جمعیت، کمیسیون جدیدی برای هرگونه تجدیدنظر ضروری در مرزهای انتخاباتی موجود تشکیل می‌شود. این کمیسیون براساس معیارهایی که در قانون تغییر مرزهای انتخاباتی مشخص شده به این کار مبادرت می‌کنند. درحال حاضر تعداد حوزه‌های انتخابیه ۳۰۱ حوزه می‌باشد که براساس قانون نمایندگی سال ۱۹۹۶ تعیین شده است. در هر حوزه انتخابیه محدودیتی به لحاظ تعداد کاندیداهایی که می‌خواهند با هم رقابت کنند وجود ندارد، اما هر فرد فقط می‌تواند در یک حوزه انتخابیه کاندیدا شود. کاندیداها هم می‌توانند از سوی احزاب رسمی و واجد شرایط به‌عنوان کاندیدا معرفی شده باشند (هر حزب تنها می‌تواند یک کاندیدا برای هر حوزه انتخابیه معرفی کند) و هم به‌طور مستقل در انتخابات شرکت کرده باشند که در این‌صورت به‌عنوان کاندیداهای «مستقل» یا کاندیداهای «بدون وابستگی» شناخته می‌شوند.

### ۱-۱. چه کسانی می‌توانند رأی بدهند؟

نخستین انتخابات کانادا در سال ۱۸۶۷ برگزار شد. در آن زمان تنها ۱۱ درصد کل جمعیت واجد شرایط رأی‌دهی بودند. این افراد صرفاً مردان سفیدپوستی بودند که از میزان دارایی لازم برای رأی‌دهی برخوردار بودند. در نخستین انتخاباتی که در این کشور برگزار شد حق رأی‌دهی و کاندیدا شدن در انتخابات فدرال مختص مردان



بالتر از سن بیست و یک سال بود که از میزان دارایی لازم برخوردار بودند. زنان، بومیان و اعضای فرقه‌های مذهبی خاص مجاز به رأی دادن نبودند.

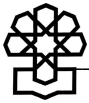
در اواخر دهه ۱۸۰۰، قانون حق رأی هر یک از استان‌ها، در کنار قوانین حق رأی فدرال، مشخص می‌کردند که چه کسی حق رأی دادن دارد. در سال ۱۸۸۵ پارلمان کانادا حق رأی عمومی و همگانی را تصویب کرد، البته شرط بهره‌مندی از میزان معینی دارایی همچنان برقرار ماند، همچنین در برخی از نقاط کشور افراد بومی از حق رأی برخوردار شدند.

در سال ۱۹۴۸، شرط برخوردارگی از میزان معینی از دارایی برای افرادی که در ایالت کبک اقامت داشتند، به‌طور کامل منسوخ شد، همچنین در این سال حق رأی‌دهی به کانادایی‌های آسیایی تبار هم اعطا شد. در سال ۱۹۶۰، بومیانی که «به‌عنوان سرخپوست شناخته می‌شدند» از حق رأی‌دهی در انتخابات فدرال برخوردار شدند.

در سال ۱۹۸۲، براساس منشور جدید حقوق و آزادی کانادا رسماً اصل بهره‌مندی تمامی شهروندان از حق رأی‌دهی و کاندیدا شدن در انتخابات در قانون اساسی گنجانده شد. این منشور همچنین باعث از بین رفتن ممنوعیت تعیین قاضیان در سطح فدرال برای رأی دادن در انتخابات فدرال در سال ۱۹۸۸ شد.

## - زنان

پیش از تشکیل کنفدراسیون ایالت‌ها در سال ۱۸۶۷، در کانادای علیا (که پس از سال ۱۸۶۷ اونتاریو نامیده شد) زنان از حق رأی‌دهی برخوردار بودند. در کانادای سفلی (کبک)، زنان مخصوصاً بیوه زنانی که از میزان دارایی لازم برای رأی‌دهی برخوردار بودند، حق رأی‌دهی داشتند و به‌خوبی هم از این حق خود استفاده می‌کردند. با



این‌حال این زنان در سال ۱۸۳۲ از حق رأی‌دهی محروم شدند. در سال ۱۹۱۷ تمامی اتباع بریتانیایی ساکن کانادا، چه مرد و چه زن، که در نیروهای نظامی شاغل یا بازنشسته نیروهای نظامی بودند از حق رأی‌دهی برخوردار شدند. در ۲۴ می ۱۹۱۸ تمامی زنانی که بیست و یک سال یا بیشتر سن داشتند از حق رأی‌دهی در سطح فدرال بهره‌مند شدند. مانتوبا اولین استانی بود که به زنان حق رأی داد (۱۹۱۶) و کبک آخرین استانی بود که به این امر مبادرت ورزید (۱۹۴۱). در سال ۱۹۱۹ زنان همچنین از حق کاندیدا شدن در انتخابات مجلس عوام برخوردار شدند. بنابراین در انتخابات سال ۱۹۲۱ برای نخستین بار از حق رأی‌دهی و کاندیدا شدن در انتخابات فدرال بهره‌مند بودند.

در کانادا هیچ قانون یا آیین‌نامه انتخاباتی وجود ندارد که سهمیه زنان در پارلمان ملی را تعیین کرده باشد، با این‌حال سهمیه‌هایی توسط خود احزاب برای زنان تعیین می‌شود. حزب دمکراتیک نوین (NDP) در سال ۱۹۸۵ اعلام کرد که قصد دارد ۵۰ درصد از کاندیداهایی که برای انتخابات فدرال معرفی می‌کند زن باشند. در کانادا همچنین این قانون وجود دارد که در مرحله نام‌نویسی از کاندیداها در هر حوزه انتخابیه حداقل یک کاندیدای زن باید وجود داشته باشد. در سال ۱۹۹۳ حزب لیبرال کانادا (LPC) اعلام کرد که ۲۵ درصد از کاندیداهایش زن خواهند بود.

## - اقلیت‌ها

بسیاری از افراد بومی کانادا در سال‌های نه چندان دور از حق رأی برخوردار شدند. اینوت‌ها (اسکیموها) در سال ۱۹۵۰ از حق رأی‌دهی بهره‌مند شدند و تنها در سال ۱۹۶۰ بود که نخستین ساکنان این کشور، که در مناطق حفاظت شده زندگی می‌کنند



بدون اینکه سرخپوست شناخته شوند و اصالت خود را از دست بدهند از حق رأی‌دهی در سطح فدرال برخوردار شدند.

#### - سن رأی‌دهی

در سال ۱۹۷۰، با تجدیدنظری که در قانون انتخابات کانادا صورت گرفت، سن رأی‌دهی و کاندیدا شدن از بیست‌ویک سال به هجده سال کاهش یافت. امروزه، تمامی کانادایی‌هایی که در روز رأی‌گیری حداقل هیجده سال سن دارند می‌توانند رأی بدهند، البته استثنائاتی هم در این رابطه وجود دارد.

#### - مجرمان

کانادایی‌هایی که در روز رأی‌گیری در کانون‌های اصلاح و تربیت و یا در یکی از زندان‌های کانادا به سر می‌برند، صرفنظر از میزان محکومیتشان می‌توانند با برگه‌های رأی‌دهی مخصوصی که در اختیارشان قرار می‌گیرد در انتخابات فدرال یا رفراندوم‌ها شرکت کنند. این قانون در سال ۲۰۰۳ و با تصمیم دادگاه عالی به تصویب رسید.

#### ۲-۱. افراد به چه کسانی می‌توانند رأی دهند؟

کانادایی‌هایی که در انتخابات‌هایی که در سطوح فدرال، شهرداری‌ها و استان‌ها برگزار می‌شود می‌توانند رأی بدهند. از میان اعضای پارلمان آنها فقط می‌توانند اعضای مجلس عوام را انتخاب کنند. اعضای سنا انتصابی هستند.

#### ۳-۱. برگزاری انتخابات

در کانادا یک سازمان بی‌طرف وجود دارد که مسئول برگزاری انتخابات‌های فدرال،



انتخابات‌های میان‌دوره‌ای و رفراندوم‌ها است: سازمان انتخابات کانادا. در رأس این سازمان رئیس کل انتخابات کانادا قرار دارد، این پست در سال ۱۹۲۰ و براساس قانون انتخابات کانادا ایجاد شد. مسئولان انتخابات باید به لحاظ سیاسی بی‌طرف باشند و تمامی کارکنان انتخابات باید قسم بخورند که از حقوق رأی‌دهندگان حفاظت خواهند کرد، آرا را مخفی نگاه خواهند داشت و وظایفشان را بدون کوچک‌ترین جانبداری انجام خواهند داد. هر کاندیدایی که در انتخابات شرکت می‌کند می‌تواند در روز انتخابات هم در مکان‌های رأی‌گیری و هم در مکان‌های شمارش آرا نمایندگانی از جانب خود قرار دهد تا بر اجرای صحیح امور نظارت کنند.

در کانادا همچنین فهرستی ملی از تمامی رأی‌دهندگان وجود دارد. این فهرست یک پایگاه اطلاعاتی کامپیوتری است که اسامی کانادایی‌هایی که واجد شرایط رأی‌دهی هستند در آن ثبت شده است. از این اطلاعات برای تهیه لیست اولیه کسانی که می‌توانند در انتخابات‌های عمومی، انتخابات‌های میان‌دوره‌ای یا رفراندوم‌ها شرکت کنند استفاده می‌شود. اطلاعات این پایگاه مرتباً براساس داده‌هایی که توسط اداره گمرکات و درآمدهای کانادا، اداره شهروندی و مهاجرت کانادا، مأموران ثبت آمار وسایل نقلیه موتوری و مأموران ثبت احوال استان‌ها و مناطق و مؤسسات انتخاباتی واقع در بریتیش کلمبیا و کبک (که به‌طور دائمی فهرستی از رأی‌دهندگان دارند) جمع‌آوری می‌شود، به‌روز می‌شود. همچنین از فهرست‌هایی که در انتخابات‌های منطقه‌ای و محلی تهیه شده‌اند، استفاده می‌شود.

#### - رأی‌دهی

رأی‌دهی در کانادا اجباری نیست. در کانادا چندین شیوه برای دادن رأی وجود دارد.



رای‌دهندگان می‌توانند در روز رأی‌گیری به محل‌های اخذ رأی رفته و رأی خود را به شیوه معمول به صندوق بیاورند، آنها همچنین می‌توانند از شیوه رأی‌دهی پیشرفته یا رأی‌دهی از طریق تلفن همراه خود برای رأی دادن استفاده کنند، روش دیگر این است که رأی خود را به شیوه رأی مخصوص و ویژه به صندوق بیاورند (یعنی از طریق حضور در دفتر مسئول انتخابات یا از طریق ایمیل).

امکان رأی‌دهی الکترونیک<sup>۱</sup> هم وجود دارد. ایالت اونتاریو برای نخستین بار در آمریکای شمالی از ۵ الی ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳ انتخابات شهرداری و شورای مدارس خود را به شکل کاملاً الکترونیک برگزار کرد. در این انتخابات از هیچ‌گونه رأی‌دهی کاغذی استفاده نشد و رأی‌دهندگان باید از طریق اینترنت یا تلفن رأی می‌دادند. در این انتخابات رأی‌دهندگان باید شهردار، معاون شهردار، دستیار معاون شهردار، اعضای شورای شهر و اعضای شورای مدارس را انتخاب می‌کردند. رأی‌دهندگان که ثبت‌نام کرده بودند و حدود ۱۰۰,۰۰۰ نفر بودند، یک شماره شناسایی و یک رمز حضور برای رأی‌دهی از طریق اینترنت یا تلفن خود دریافت می‌کردند. پس از انتخابات اداره برگزاری و هزینه‌های انتخابات کانادا (ACE) گزارش داد که رأی‌دهی الکترونیک باعث شد تا میزان جمعیت شرکت‌کننده در انتخابات در برخی از مکان‌ها به ۵۵ درصد افزایش یابد، درحالی که در انتخابات شهرداری‌ها که به شیوه عادی برگزار می‌شدند میزان جمعیت شرکت‌کننده بین ۲۵ تا ۳۰ درصد بود. پس از این انتخابات دفتر نوسازی دمکراتیک با هدف بررسی پیشنهادات در رابطه با اصلاح فرآیند انتخاباتی اونتاریو برای تبدیل رأی‌دهی از طریق اینترنت به یکی از شیوه‌های رأی‌دهی تشکیل شد.



#### ۴-۱. مقررات انتخاب: مقررات سیاسی و مالی مربوط به رأی‌دهی

کانادا مقررات خاصی در رابطه با مسائل مالی انتخابات دارد. نهادی که مسئول اجرا و نظارت بر اجرای این مقررات است اداره انتخابات کانادا می‌باشد. قانون هزینه‌های انتخاباتی که در سال ۱۹۷۴ به تصویب رسید و هدف از آن ایجاد شانس مساوی برای احزاب و کاندیداها و نیز تشویق مشارکت فعال شهروندان در فرآیندهای سیاسی از طریق مساعدت‌های مالی بود، محدودیت‌های خاصی به لحاظ هزینه‌های انتخاباتی برای احزاب و کاندیداها ثبت‌نام کرده در نظر گرفت و احزاب و کاندیداها را ملزم کرد که هزینه‌ها و درآمدهای خود را گزارش کنند. براین اساس قانون بخشی از عواید حاصل از مالیات بر درآمد برای کمک‌های سیاسی و جبران هزینه‌های احزاب و کاندیداها شکست‌خورده در انتخابات، اختصاص می‌یافت. همچنین پست جدید کمیسیونر انتخابات کانادا، که وظیفه‌اش نظارت بر اجرای قانون انتخابات کاناداست، شکل گرفت. کمیسیونر انتخابات کانادا از سوی رئیس کل انتخابات کانادا انتخاب و منصوب می‌شود.

تغییری که اخیراً در مقررات مربوط به مسائل مالی انتخابات صورت گرفته، لایحه معروف به C-24 است که با هدف اصلاح قانون انتخابات کانادا و قانون مالیات بر درآمد (مساعدت‌های مالی در امور سیاسی) به تصویب رسیده است. این لایحه از موافقت سلطنتی هم برخوردار شد و بخش عمده مفاد آن در ژانویه ۲۰۰۱ به اجرا درآمد. این قانون، البته با استثنائاتی، کمک‌های مالی توسط شرکت‌ها و اتحادیه‌های تجاری را ممنوع و کمک‌های فردی را محدود کرده است. این قانون، علاوه بر موارد دیگر، مقرر داشته هر سه ماه یکبار پولی به احزاب سیاسی شکست‌خورده در



انتخابات پرداخت شود، همچنین میزان کمک‌های مالی در امور سیاسی که از محل عواید حاصل از مالیات بر درآمد صورت می‌گرفت افزایش یافته است.

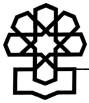
#### ۱-۵. درآمد احزاب: سقف درآمدها، محدودیت منابع درآمدها و مقررات مربوط به افشای درآمدها

احزاب سیاسی موظفند میزان کمک‌های مالی دریافتی خود را اعلام کنند. میزان کمک‌های مالی‌ای که به احزاب می‌شود و نیز میزان درآمد احزاب سقف خاصی ندارد. با این حال محدودیت‌های خاصی در رابطه با کمک‌های مالی به احزاب وجود دارد. علاوه بر ممنوعیت‌هایی که براساس اصلاح قانون انتخابات کانادا و قانون مالیات بر درآمد در این رابطه وضع شده، ممنوعیت‌هایی هم در رابطه با کمک‌های مالی خارجی و نیز کمک‌هایی که توسط افراد ناشناس به احزاب سیاسی صورت می‌گیرد، وجود دارد.

#### ۱-۶. هزینه‌های انتخاباتی احزاب: مقررات مربوط به سقف هزینه‌های انتخاباتی و افشای آنها

در کانادا مقررات خاصی در رابطه با افشای عمومی میزان هزینه‌های صورت گرفته توسط احزاب سیاسی وجود دارد. همچنین میزان هزینه‌های انتخاباتی احزاب سقف معینی دارد. براساس قانون انتخابات کانادا حداکثر میزان پولی که یک حزب مجاز است در انتخابات هزینه کند به شرح زیر است:

- به‌ازای هر یک نفر رأی‌دهنده‌ای که نامش در فهرست اولیه رأی‌دهندگان حوزه انتخابیه‌ای که آن حزب در آن حوزه کاندیدا معرفی کرده است، آمده است و یا به‌ازای



تعداد رأی‌دهندگانی که نامشان در فهرست اصلاح شده رأی‌دهندگان آن حوزه آمده آن حزب می‌تواند ۰/۶۲ درصد دلار هزینه کند.

- این هزینه مطابق فاکتور نرخ تورم که ازسوی رئیس کل انتخابات کانادا اعلام می‌شود و از روزی که فرمان برگزاری انتخابات صادر می‌شود مبنای عمل است، می‌تواند تغییر کند.

همچنین محدودیت‌هایی در رابطه با میزان هزینه‌های انتخاباتی کاندیداها (ی مستقل) وجود دارد. همان‌طور که در قانون انتخابات کانادا تصریح شده است سقف هزینه‌های انتخاباتی کاندیداها یا رقمی است که از طریق لیست اولیه رأی‌دهندگان حوزه انتخابیه‌ای که آن کاندیدا در آن ثبت‌نام کرده است محاسبه می‌شود و یا رقمی که از طریق لیست‌های تجدیدنظر شده رأی‌دهندگان آن حوزه انتخابیه به‌دست آمده است.

#### ۱-۷. کمک‌های مالی عمومی (دولتی) مستقیم و غیرمستقیم

اخیراً براساس لایحه C-۲۴ [قانون اصلاح قانون انتخابات کانادا و قانون مالیات بر درآمد کانادا (کمک‌های مالی در زمینه‌های سیاسی)] که در ژانویه ۲۰۰۴ به مرحله اجرا درآمد تغییراتی در نحوه کمک‌های عمومی (دولتی) ایجاد شده است. احزاب در کانادا کمک‌های دولتی مستقیم دریافت می‌کنند، البته این نوع کمک‌ها محدود به زمان انتخاباتی است. هدف از این نوع مساعدت‌ها کمک به اداره احزاب به‌طور کلی و نیز کمک به آنها برای انجام فعالیت‌های مربوط به مبارزات انتخاباتی است. این نوع کمک‌ها براساس تعداد کاندیداهایی که در یک انتخابات مشخص شرکت کرده‌اند مشخص شده و بین احزاب توزیع می‌شود.



علاوه بر کمک‌های دولتی مستقیم، احزاب کمک‌های غیرمستقیم هم دریافت می‌کنند. این کمک‌ها بیشتر به شکل دسترسی رایگان احزاب به رسانه‌های جمعی آن‌طور که در قانون برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی مشخص شده است. این دسترسی از زمان صدور فرمان انتخاباتی شروع شده و در نیمه شب روز قبل از روز رأی‌گیری پایان می‌یابد.

هر چند احزاب از امتیازات مالیاتی ویژه‌ای برخوردار نیستند، اما کسانی که به احزاب کمک مالی می‌کنند از طریق دریافت رسیدهای مالیاتی از تخفیف‌های مالیاتی بهره‌مند می‌شوند.

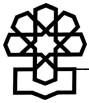
#### ۸-۱. میزان جمعیت شرکت‌کننده در انتخابات

آمارها نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۹۴۵، ۱۹۴۹، ۱۹۵۸، ۱۹۶۳ و ۱۹۷۲، ۷۰ درصد یا بیشتر از ۷۰ درصد کسانی که در سن رأی‌دهی قرار داشته‌اند از حق رأی‌دهی خود استفاده کرده و در انتخابات شرکت کرده‌اند. طبق آمار کمترین میزان مشارکت در انتخابات‌های سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰ صورت گرفته است (به ترتیب ۵۷ درصد و ۵۴/۶ درصد).

#### ۲. ایالات متحده

##### ۱-۲. نظام انتخاباتی

ایالات متحده یک کشور فدرال و دارای نظام حکومتی ریاستی است. قوه مقننه این کشور متشکل از یک کنگره دو مجلسی است. این دو مجلس عبارتند از مجالس سنا و



نمایندگان. سنای این کشور صد عضو دارد که دوره خدمتشان ۶ ساله است. از هر ایالت (صرفنظر از اندازه آن ایالت) دو سناتور، با آرای مردم و براساس نظام انتخاباتی اکثریتی ساده انتخاب و به کنگره فرستاده می‌شوند. البته در هیچ‌کدام از ایالت‌ها دو سناتور آن ایالت به‌طور همزمان و در یک سال انتخاباتی واحد انتخاب نمی‌شوند. یک‌سوم اعضای سنا هر دو سال یک‌بار تغییر می‌کند و افراد جدیدی جایگزین آنها می‌شوند. براساس قانون، تعداد کرسی‌های مجلس نمایندگان از سال ۱۹۱۲ تاکنون ۴۳۵ کرسی بوده است. به هر ایالت حداقل یک کرسی در مجلس نمایندگان اختصاص داده شده است. تعداد کل کرسی‌هایی که باید به هر یک از ایالت‌ها اختصاص یابد طبق فرمول «هانتینگتون هیل» و براساس آمارهای جمعیتی مبتنی بر سرشماری‌های سالیانه مشخص می‌شود. دوره خدمت اعضای مجلس نمایندگان دو سال است و این افراد با آرای مردم، در حوزه‌های انتخابیه تک کرسی و برای نظام انتخاباتی اکثریتی ساده انتخاب می‌شوند. این ۴۳۵ نماینده، اعضای دارای حق رأی مجلس نمایندگان هستند. ساموای آمریکا، منطقه کلمبیا، گوآم و جزایر ویرجین آمریکا نمایندگانی در مجلس نمایندگان دارند که از حق رأی‌دهی برخوردار نیستند؛ پورتوریکو هم یک نفر به‌عنوان عضو ناظر به مجلس نمایندگان می‌فرستد که از حق رأی‌دهی برخوردار نیست، دوره خدمت این فرد چهارساله است، جزایر ماریانای شمالی هم نماینده‌ای در مجلس نمایندگان ندارند.

برخلاف اعضای کنگره، رئیس‌جمهور ایالات متحده مستقیماً با آرای مردم انتخاب نمی‌شود، بلکه آرای مردم نقشی غیرمستقیم در انتخاب رئیس‌جمهور دارد. این شیوه انتخاب به شیوه مبتنی بر آرای الکترال معروف است. پیش از برگزاری انتخابات



ریاست جمهوری، احزاب سیاسی در هر یک از ایالت‌ها لیستی از رأی‌دهندگان که خود را متعهد به رأی‌دهی به کاندیدای آن حزب کرده‌اند تهیه می‌کنند. تعداد آرای اکثرال اختصاص یافته به هر ایالت مساوی است با تعداد نمایندگان آن ایالت در کنگره. منطقه کلمبیا هم سه رأی اکثرال دارد. در زمان انتخابات ریاست جمهوری، که هر چهار سال یکبار در ماه نوامبر برگزار می‌شود، فردی که بیشترین آرای مردمی را در هر ایالت از آن خود کند کل آرای اکثرال آن ایالت را از آن خود می‌کند. بنابراین پیروز انتخابات ریاست جمهوری کسی است که در مجموع بیشترین آرای اکثرال را به دست بیاورد.

## ۲-۲. چه کسانی می‌توانند رأی بدهند؟

### - زنان

در سال ۱۸۴۸ الیزابت کادی استانتون و لوکر تیموت نخستین کنگره حمایت از حقوق زنان را در سنکافالز واقع در ایالت نیویورک تشکیل دادند. برای اولین بار، در سال ۱۹۸۳ ایالت کنتاکی به زنان حق رأی‌دهی در انتخابات مدارس را اعطا کرد. در سال ۱۸۶۹ در منطقه وایومینگ به زنان همچون مردان حق رأی‌دهی اعطا شد و در سال ۱۸۸۷ زنان در ایالت کانزاس از حق رأی‌دهی نامحدود در انتخابات شهرداری‌ها بهره‌مند شدند. این روند، هر چند به کندی، ادامه یافت به گونه‌ای که تا سال ۱۹۱۴ ده ایالت دیگر در اعطای حق رأی نامحدود به زنان به وایومینگ پیوستند. در پایان سال ۱۹۱۸ زنان در پانزده ایالت از مجموع چهل‌وهشت ایالت تشکیل‌دهنده فدراسیون از حق رأی کامل برخوردار بودند. جنبش حق رأی در سال ۱۹۲۰ یعنی زمان تصویب



اصلاحیه نوزدهم قانون اساسی که باعث بهره‌مند شدن زنان آمریکایی از حق رأی‌دهی در تمامی انتخابات‌های محلی، ایالتی و فدرال شد، پایان یافت.

### - اقلیت‌ها

به لحاظ حقوقی آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار در سال ۱۸۶۸، در نتیجه تصویب اصلاحیه پانزدهم که تعریف فراگیرتری از شهروندی ارائه می‌کرد از حق رأی‌دهی برخوردار شدند. اما در عمل پس از تصویب قانون حقوق مدنی در سال ۱۹۶۴ بود که این افراد حق رأی‌دهی به دست آوردند. یک سال بعد، درحالی که هنوز بسیاری از آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار در ایالت‌های جنوبی از حق رأی محروم بودند، قانون حقوق رأی‌دهی به تصویب رسید. قانون حقوق رأی‌دهی در واقع مکمل و ضمانت اجرای این اصل در اصلاحیه پانزدهم قانون اساسی بود که هیچ‌کس نباید به خاطر نژاد یا رنگ پوستش از حق رأی‌دهی محروم شود. این قانون پس از آن به تصویب رسید که کنگره تشخیص داد قوانین ضدتبعیض موجود برای فائق آمدن بر مقاومت مقامات ایالتی در برابر اجرای اصلاحیه پانزدهم کافی نیستند. این قانون در سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۷۵، ۱۹۸۲ و ۲۰۰۶ تمدید شد.

بر اساس ماده (۴) قانون حقوق رأی‌دهی شرط باسواد بودن برای برخوردار شدن از حق رأی‌دهی در ایالت‌های آلاباما، جورجیا، لویزیانا، میسیسیپی، کارولینای جنوبی، ویرجینیا و نیز بسیاری از نواحی کارولینای شمالی که در آنها میزان ثبت‌نام رأی‌دهندگان و یا شرکت آنها در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۶۴ کمتر از ۵۰ درصد کسانی بود که در سن رأی‌دهی قرار داشتند، حذف شد. بر اساس ماده (۵) این قانون هرگونه تغییری که بخواهد در قوانین رأی‌دهی این مناطق صورت



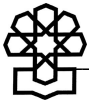
گیرد باید ابتدا یا توسط دادگاهی متشکل از سه قاضی که در منطقه کلمبیا تشکیل می‌شود و یا توسط دادستان کل ایالات متحده به تصویب برسد. قانون حقوق رأی‌دهی همچنین این اجازه را به دادستان کل می‌دهد تا چندین بازرس تعیین کند و آنها را به ایالت‌هایی که این قانون در آنها لازم‌الاجراست، بفرستد تا اطمینان حاصل کند که تمامی افراد واجد شرایط می‌توانند به‌طور آزادانه در انتخابات‌های محلی، ایالتی و فدرال شرکت کنند و یا اینکه چندین ناظر برای نظارت بر نحوه برگزاری انتخابات منصوب کند.

#### - سن رأی‌دهی

تمامی شهروندانی که حداقل هجده سال دارند واجد شرایط رأی‌دهی هستند.

#### - مجرمان

برخورداری مجرمان از حق رأی‌دهی در ایالت‌های مختلف تفاوت‌های بسیار دارد. تنها در دو ایالت - یعنی مین و ورمونت - زندانیان از حق رأی‌دهی بهره‌مندند. در منطقه کلمبیا و در چهل‌وهشت ایالت دیگر زندانیانی که به‌خاطر جرائم جنایی زندانی شده‌اند حق رأی‌دهی ندارند؛ در سی‌وپنج ایالت زندانیانی که به قید وثیقه آزاد شده‌اند از حق رأی‌دهی برخوردار نیستند و سی ایالت دیگر همچنین به مجرمانی که به‌طور مشروط آزاد گشته‌اند حق رأی نمی‌دهند. در دو ایالت تمامی افرادی که قبلاً مرتکب جرمی شده‌اند و دوران محکومیت خود را به پایان رسانده‌اند از حق رأی‌دهی محرومند، ۹ ایالت گروه خاصی از افرادی را که قبلاً مجرم بوده‌اند از حق رأی محروم کرده‌اند و به سایر مجرمان این اجازه را می‌دهند تا پس از یک مدت زمان مشخص بار دیگر از حق رأی‌دهی بهره‌مند شوند. به‌علاوه در هر ایالتی اعطای مجدد حق



رأی‌دهی به مجرمان سابق به شیوه خاصی صورت می‌گیرد.

#### ۲-۳. مردم به چه کسانی می‌توانند رأی بدهند؟

مقاماتی که در سطح فدرال از طریق آرای عمومی انتخاب می‌شوند عبارتند از رئیس‌جمهور، معاون وی و اعضای کنگره (سنا و مجلس نمایندگان).

در سطح ایالتی، رئیس‌سی‌وهشت ایالت از طریق آرای عمومی و معمولاً برای یک دوره چهارساله انتخاب می‌شوند، در ۹ ایالت دیگر رئیس ایالت منصوب می‌شود، در منطقه کالیفرنیا هم رئیس ایالت انتصابی است. در سه ایالت دیگر (مین، نیوهمپشایر و تنسی) رئیس ایالت توسط مجلس قانونگذاری ایالت انتخاب می‌شود.

در سطح محلی و نیز در شهرها، شهرستان‌ها و نواحی، اعضای نهادهای قانونگذار و نهادهای اجرایی از طریق انتخابات تعیین می‌گردند. ممکن است در سطح محلی برخی از مقامات قضایی هم توسط مردم انتخاب شوند، اما دادگاه‌هایی که از این افراد تشکیل می‌شود به دعای و مسائل جزئی و کوچک می‌پردازند و یا در مورد مسائل محلی حکم صادر می‌کنند. شهرداران، اعضای شوراهای شهر، اعضای کمیته‌های نواحی و پست‌های دیگری از این دست در سطح محلی از طریق انتخابات مشخص می‌شوند. مدت زمان تصدی این پست‌ها در ایالت‌های مختلف متفاوت است.

#### ۲-۴. برگزاری انتخابات

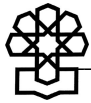
سیستم برگزاری انتخابات در ایالت متحده یک سیستم شدیداً غیرمتمرکز است. برگزاری انتخابات در سطوح ایالتی و محلی صورت می‌گیرد و حکومت مرکزی برای



برگزاری انتخابات به مقامات ایالتی و محلی کمک مالی نمی‌کند، همچنین استاندارد مشخصی برای رأی‌دهی از سوی حکومت مرکزی تعیین نشده است. قانون کمک به رأی‌دهی آمریکا (HAVA) که در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید تا حدود زیادی این وضعیت را تغییر داده است. براساس این قانون یک کمیسیون مساعدت‌های انتخاباتی (EAC)، که در آن از هر دو حزب بزرگ آمریکا افرادی حضور دارند، تشکیل شده که همچون یک دفتر اطلاعات‌دهنده عمل می‌کند و نیز بهترین شیوه برگزاری انتخابات را مشخص می‌کند. این کمیسیون همچنین به ایالت‌ها برای تعویض تجهیزات رأی‌گیری از رده خارج شده خود کمک‌های مالی می‌کند و شرایطی که نظام رأی‌دهی باید از آنها بهره‌مند باشد را مشخص می‌کند (نظام رأی‌دهی باید به‌گونه‌ای باشد که: اشتباهات رأی‌دهندگان به حداقل برسد، امکان شمارش دستی آرا فراهم باشد، رأی‌دهی ساده و آسان باشد، امکان استفاده از زبان‌های مختلف وجود داشته باشد، افراد بتوانند مخفیانه رأی بدهند و آرای افراد محرمانه باقی بماند).

## ۲-۵. رأی‌دهی

رأی‌دهی در ایالات متحده اجباری نیست. رأی‌دهی به یکی از سه شیوه زیر صورت می‌گیرد. رأی‌دهنده می‌تواند در روز رأی‌گیری شخصاً به یکی از حوزه‌های انتخابیه منطقه‌ای که در آن ثبت‌نام کرده مراجعه کرده و رأی خود را به صندوق بیاندازد. به این شیوه رأی‌دهی، رأی‌دهی منطقه‌ای گفته می‌شود. براساس قانون کمک به رأی‌دهی در آمریکا رأی‌دهندگان که نامشان در لیست افراد واجد شرایط رأی‌دهی در یک حوزه رأی‌دهی مشخص نیست اما بر این اعتقادند که باید نامشان در آن لیست باشد این



اجازه را دارند تا یک رأی موقت بدهند که اعتبار آن باید بعداً به تأیید برسد. آرا را می‌توان پیش از روز انتخابات و براساس سیستم رأی‌دهی اولیه و یا از طریق رأی‌دهی غیابی به صندوق انداخت، رأی‌دهی اولیه به این خاطر با رأی‌دهی غیابی تفاوت دارد که در رأی‌دهی ابتدایی با اولیه رأی‌دهندگان می‌توانند به یکی از دفاتر انتخابات و یا سایر مکان‌هایی که برای رأی‌دهی در نظر گرفته شده‌اند (نظیر فروشگاه‌ها و مراکز تجمع) مراجعه نموده و بدون آنکه لازم باشد دلیلی برای عدم توانایی رأی‌دهی در روز انتخابات ذکر کنند، شخصاً رأی خود را به صندوق بیاندازند. در رأی‌دهی غیابی رأی‌دهنده از طریق ایمیل و پیش از زمان برگزاری انتخابات رأی می‌دهد. در تمامی ایالت‌ها شکلی از رأی‌دهی غیابی وجود دارد، با این حال دستورالعمل چنین رأی‌دهی‌ای در ایالت‌های مختلف متفاوت است: در برخی از ایالت‌ها رأی‌دهی غیابی «بدون نیاز به ذکر دلیل خاص» وجود دارد، به این معنا که رأی‌دهندگان که برای شرکت در انتخابات ثبت‌نام کرده‌اند مجازند بدون اینکه دلیلی برای دادن رأی خود به شیوه رأی‌دهی غیابی ذکر کنند به این شیوه رأی بدهند، درحالی که در سایر ایالت‌ها به رأی‌دهندگان فقط تحت شرایط خاصی اجازه رأی‌دهی به شکل رأی‌دهی غیابی را می‌دهند.

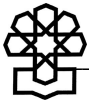
یکی دیگر از شیوه‌های رأی‌دهی، رأی‌دهی از طریق ایمیل است. در این شیوه رأی‌دهندگان برگه‌های رأی‌دهی را از طریق ایمیل دریافت کرده و از همین طریق هم رأی می‌دهند. رأی‌دهی از طریق ایمیل در تمامی انتخابات‌هایی که از سال ۱۹۹۸ تاکنون در اورگون برگزار شده و نیز در برخی از انتخابات‌های محلی کالیفرنیا به‌کار گرفته شده است.



تغییری که اخیراً در ایالات متحده در رابطه با فرآیند رأی‌دهی صورت گرفته، ایجاد «مراکز رأی‌دهی» بوده است. مراکز رأی‌دهی مکان‌هایی هستند که رأی‌دهنده می‌تواند صرف‌نظر از اینکه در کدام منطقه ثبت‌نام کرده باشد در آن رأی خود را به صندوق بیاندازد.

به عبارت دیگر هر فردی که برای شرکت در انتخاب ثبت‌نام کرده است، صرف‌نظر از منطقه‌ای که در آن سکونت دارد و در آن ثبت‌نام کرده، می‌تواند در محدوده سیاسی‌ای که آن انتخابات در آن برگزار می‌شود به این مکان‌ها مراجعه کرده و رأی بدهد. از میان نکات مثبتی که برای این مراکز ذکر شده می‌توان به این مسائل اشاره کرد: ایجاد این مراکز امکان کاهش مکان‌های رأی‌گیری را به مسئولان انتخابات می‌دهد و از این‌رو مدیریت حوزه‌های انتخابیه را تسهیل می‌کند؛ به علت اینکه با ایجاد این مراکز نیاز به کارکنان و تجهیزات انتخاباتی کاهش می‌یابد امکان برگزاری انتخابات به‌گونه‌ای با کیفیت‌تر ایجاد شده و همچنین در هزینه‌ها صرفه‌جویی می‌شود؛ به‌کارگیری و گزینش پرسنل برگزارکننده انتخابات از میان افراد مجرب‌تر و آموزش‌دیده‌تر امکانپذیر می‌شود؛ باعث راحتی کار رأی‌دهندگان می‌شود، که خود این امر می‌تواند باعث افزایش جمعیت شرکت‌کننده در انتخابات در روز انتخابات شود. منطقه لاریمر واقع در ایالت کلرادو پیش‌تاز ایجاد مراکز رأی‌دهی بوده است. این مراکز در انتخابات سال ۲۰۰۳، انتخابات مقدماتی و عمومی سال ۲۰۰۴، انتخابات سال ۲۰۰۵ و انتخاباتی مقدماتی و عمومی سال ۲۰۰۶ در این ایالت به‌کار گرفته شدند.

همچنین تمهیداتی برای تسهیل رأی‌دهی نیروهای نظامی و رأی‌دهی افرادی که در خارج از کشور به‌سر می‌برند اندیشیده شده است. قانون رأی‌دهی غیابی نظامیان



و افراد حاضر در خارج از کشور در سال ۱۹۸۶ به تصویب کنگره رسید تا این امکان را به اعضای واجد شرایط نیروهای نظامی و خانواده‌های آنها که در خارج از کشور مشغول خدمتند و نیز به سایر شهروندان آمریکا که مقیم خارج از کشورند بدهد تا بتوانند رأی بدهند. این قانون تمامی ایالت‌ها را موظف می‌کند تا دفتری برای اطلاع‌رسانی در زمینه ثبت‌نام از رأی‌دهندگان و نیز دستورالعمل‌های رأی‌دهی غیابی به نیروهای نظامی و سایر شهروندانی که در خارج از کشور سکونت دارد تأسیس کنند. به‌علاوه وزارت دفاع آمریکا در سپتامبر ۲۰۰۶ سیستم جدیدی - معروف به سیستم رأی‌دهی یکپارچه - با هدف دادن اطلاعات لازم در رابطه با شیوه‌های رأی‌دهی الکترونیک به نیروهای تحت فرمان این وزارتخانه و نیز سایر شهروندانی که در خارج به‌سر می‌برند ایجاد کرده هر ایالتی قانون متفاوتی در رابطه با نوع وسایلی که باید در رأی‌دهی غیابی مورد استفاده قرار گیرند دارد. اما سیستم رأی‌دهی یکپارچه ایالت‌ها را موظف می‌کند کلیه اقداماتی که برای رأی‌دهی غیابی صورت می‌گیرد از جمله ارسال فرم‌های درخواست ثبت‌نام در انتخابات، ارسال فرم‌های درخواست برگه رأی، ارسال برگه‌های رأی سفید برای شهروندان و بازگشت برگه‌های رأی پر شده، از طریق فاکس یا ایمیل صورت پذیرد استفاده از فاکس به‌جای ایمیل با بالعکس در هر یک از این مراحل باید با موافقت دفتر رأی‌دهی الکترونیک وزارت دفاع صورت گیرد. علاوه‌بر سیستم رأی‌دهی یکپارچه، گروهی از افرادی که آموزش‌های رأی‌دهی می‌دهند و در هر یک از پادگان‌های نظامی مستقر می‌شوند تشکیل شده تا آموزش‌های لازم در زمینه رأی‌دهی را به نظامیان بدهند و اطلاعات لازم و بی‌طرفانه در زمینه رأی‌دهی را در اختیار آنها بگذارند.



## ۲-۶. مقررات انتخابات: مقررات سیاسی و مالی مربوط به رأی‌دهی

کمیسیون انتخابات فدرال (FEC) مقررات مربوط به میزان پول‌های دریافتی و خرج شده توسط کاندیداها، احزاب سیاسی و کمیته‌های سیاسی را در سطح فدرال تدوین می‌کند. در سطح ایالت‌ها این وظیفه برعهده مسئولان خود ایالت‌هاست.

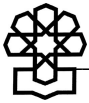
## ۲-۷. درآمدها و هزینه‌های احزاب: سقف درآمدها و هزینه‌ها، محدودیت‌های

### وضع شده بر منابع درآمدها، و مقررات مربوط به افشای آنها

در سال ۱۹۷۱ کنگره ایالت متحده قانون مبارزات انتخاباتی در سطح فدرال را تصویب کرد که براساس آن تمامی کاندیداها و از جمله کاندیداهای ریاست‌جمهوری باید میزان پول‌های دریافتی و خرج شده در مبارزات انتخاباتی خود را به‌طور کامل و دقیق گزارش دهند. براساس این قانون کاندیداها و کمیته‌های حزبی و نیز کمیته‌های اقدام سیاسی (PAC) باید به‌طور منظم اقدام به انتشار گزارش‌هایی کنند که میزان پول‌های دریافتی و پرداختی آنها را به‌طور شفاف نشان دهد. کمک‌های مالی از سوی خارجی‌ها و شرکت‌های تجاری و نیز از سوی پیمانکاران دولتی ممنوع است.

## ۲-۸. کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم دولتی

کمیسیون انتخابات فدرال میزان کمک‌های مالی دولتی را که باید در سطح فدرال در اختیار کاندیداها قرار گیرند مشخص می‌کند. اعطای کمک‌های دولتی با این هدف صورت می‌گیرد که جلوی کمک‌های مالی گسترده از سوی نهادهای غیردولتی به کاندیداهای ریاست‌جمهوری گرفته شود. کاندیداهایی که در انتخابات‌های عمومی از



کمک‌های مالی دولتی استفاده می‌کنند باید از پذیرش کمک‌های مالی غیردولتی خودداری کنند. تمامی انتخابات‌های ریاست‌جمهوری از سال ۱۹۷۶ تاکنون با کمک‌های دولتی به کاندیداها برگزار شده‌اند. در ایالات متحده کمک‌های دولتی غیرمستقیم، نظیر دسترسی کاندیداها به رسانه‌ها، وجود ندارد.

## ۲-۹. میزان جمعیت شرکت کننده در انتخابات

میزان جمعیت شرکت‌کننده در انتخابات‌های مختلف کنگره که طی هفتاد سال گذشته برگزار شده‌اند، بین رقم بالای ۶۳ درصد در سال ۱۹۶۰، تا حدود ۵۲ درصد در سال ۱۹۸۰ و ۳۶ درصد در سال ۱۹۹۰ و دوباره حدود ۵۲ درصد در سال ۲۰۰۰ در نوسان بوده است.

## ۳. بریتانیا

### ۳-۱. نظام انتخاباتی

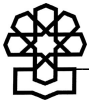
بریتانیا یک کشور پادشاهی و دارای یک نظام حکومتی پارلمانی است. پارلمان ملی این کشور که در وست‌مینستر واقع است از دو مجلس تشکیل می‌شود که عبارتند از مجلس اعیان و مجلس عوام. اعضای مجلس اعیان به‌طور مادام‌العمر عضو این مجلس هستند. اعضای این مجلس با آرای مردم انتخاب نمی‌شوند، بلکه یا افرادی هستند که منصوب شده‌اند، که به آنها اعضای موروثی می‌گویند و یا اسقف‌های اعظم و اسقف‌های کلیسای انگلستان هستند (تحت نظر کلیسای انگلستان، کلیسای «رسمی» دولتی است). برعکس، اعضای مجلس عوام مستقیماً با آرای مردم و هر پنج سال



یک بار انتخاب می‌شوند. انتخابات برای مشخص شدن تکلیف ۶۵۹ کرسی مجلس عوام در ۶۵۹ حوزه انتخابیه تک نماینده‌ای برگزار می‌شود. (۵۲۹ کرسی برای انگلستان، ۷۲ کرسی برای اسکاتلند، ۴۰ کرسی برای ولز و ۱۸ کرسی برای ایرلند شمالی).

نظام انتخاباتی مجلس عوام، نظام اکثریتی ساده است. کل کشور به حوزه‌های انتخابیه‌ای که هر یک از آنها یک نماینده دارد تقسیم می‌شوند و کاندیدایی که بیشترین رأی را در هر یک از این حوزه‌ها از آن خود سازد نماینده آن حوزه در پارلمان خواهد شد. کاندیداها ممکن است ازسوی یکی از احزاب سیاسی اصلی، یا ازسوی یک حزب اقلیت و یا ازسوی سایر سازمان‌هایی که مورد تأیید کمیسیون انتخابات هستند به‌عنوان کاندیدا معرفی شده باشند. البته کاندیداها، در صورتی‌که به هیچ حزبی وابسته نباشند می‌توانند به‌عنوان کاندیداها «مستقل» در انتخابات شرکت کنند.

البته باید توجه داشت که در کل بریتانیا و نیز در همه انتخابات‌هایی که در این کشور برگزار می‌شود از نظام انتخاباتی اکثریتی ساده استفاده نمی‌شود. حزب کارگر که در سال ۱۹۹۷ به قدرت رسید به‌عنوان بخشی از برنامه تمرکززدایی خود، دستور داد برای انتخابات اعضای پارلمان اسکاتلند، اعضای مجالس ولز و ایرلند شمالی؛ نمایندگان انگلیس در پارلمان اروپا و نیز انتخاب شهردار و اعضای شورای شهر لندن از نظام‌های انتخاباتی دیگری استفاده شود. (به جدول زیر رجوع کنید).



### نظام‌های انتخاباتی مختلف که در انتخابات‌های بریتانیا به‌کار برده می‌شوند

| نوع نهادی که اعضایش با این نظام انتخاب می‌شوند | نظام انتخاباتی   |
|--|--|
| مجلس عوام                                      | اکثریتی ساده (که به اکثریتی ساده تک نماینده‌ای هم معروف است) |
| برخی از نهادهای محلی انگلستان و ولز            | اکثریتی ساده چندنماینده‌ای                                   |
| پارلمان اسکاتلند، مجلس ولز، شورای شهر لندن     | نظام انتخاباتی مبتنی بر عضو اضافی                            |
| مجلس ایرلند شمالی                              | نظام تک رأی قابل انتقال                                      |
| پارلمان اروپا                                  | نظام مبتنی بر لیست‌های (بسته) حزبی                           |
| شهردار لندن                                    | نظام رأی تکمیلی  |

### ۲-۳. چه کسانی می‌توانند رأی بدهند؟

نخستین گام به‌سوی ایجاد یک نظام انتخاباتی که بخش‌های وسیع‌تری از جامعه را دربر بگیرد در سال ۱۸۳۲ و با تصویب قانون نمایندگی مردم (که به قانون اصلاح بزرگ هم معروف است)، که باعث حذف شروط دارایی و سکونت رسمی به‌عنوان شروط بهره‌برداری از حق رأی شد، برداشته شد. حق رأی‌دهی در سال ۱۸۶۷ و با تصویب قانون نمایندگی مردم دوم، که به قانون اصلاحات دوم معروف شد، توسعه بیشتری یافت و سرانجام براساس سومین قانون نمایندگی مردم مصوب سال ۱۸۸۴ همه خانواده‌هایی که در بورگ‌ها (شهرها) و کانتی‌ها (روستاها) مالیات پرداخت می‌کردند از حق رأی‌دهی بهره‌مند شدند.

جالب است اشاره کنیم که اصل «هر فرد، یک رأی» فقط در سال ۱۹۴۹ به مرحله اجرا درآمد. پیش از این سال، رأی دهندگان تحصیل‌کرده یا ثروتمند مجاز بودند که چندین بار و در حوزه‌های انتخابیه مختلف رأی بدهند.

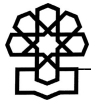


در حال حاضر، برای اینکه یک فرد بتواند در انتخابات پارلمان انگلستان رأی بدهد، آن فرد باید یا شهروند انگلستان باشد، یا شهروند یکی از کشورهای عضو جامعه کشورهای مشترک المنافع و یا شهروند جمهوری ایرلند که ساکن انگلیس است. گروه‌هایی که از حق رأی برخوردار نیستند عبارتند از کسانی که در زندان به سر می‌برند، کسانی که به خاطر تخلفات انتخاباتی مجرم شناخته شده‌اند (این افراد به مدت پنج سال از حق رأی محروم می‌شوند)، کسانی که در بیمارستان‌های روانی به سر می‌برند و اعضای مجلس اعیان. شهروندان بریتانیایی که در خارج از کشور به سر می‌برند می‌توانند از طریق پست در انتخابات شرکت کنند به شرط اینکه مدت اقامت آنها در خارج از کشور کمتر از پانزده سال باشد.

#### - زنان

قبل از سال ۱۹۱۸ تنها مردان از حق رأی‌دهی برخوردار بودند، اما در این سال زنانی که سن‌شان سی سال یا بیشتر بود از حق رأی‌دهی و کاندیدا شدن در انتخابات بهره‌مند شدند. در سال ۱۹۲۸ سن رأی‌دهی زنان به بیست‌ویک سال کاهش یافت. (و با سن رأی‌دهی مردان در آن زمان مساوی شد).

در بریتانیا سهمیه مشخصی در قانون اساسی یا قوانین عادی برای تعداد نمایندگان زن پارلمان در نظر گرفته نشده است، اما خود احزاب سیاسی سهمیه مشخصی برای کاندیداهای زن در نظر گرفته‌اند. حزب لیبرال دمکرات به این اصل معتقد است که در هر حوزه انتخابیه حداقل یک‌سوم کاندیداها باید مونث باشند. حزب کارگر در انتخابات عمومی سال ۱۹۹۷ با انتشار لیست‌های کوچک و مجزا که مخصوص کاندیداهای زن بود، ۵۰ درصد کرسی‌هایی را که در انتخابات به دست



آورده بودند به زنان اختصاص داد، همچنین این حزب در نخستین انتخابات پارلمان اسکاتلند و مجلس ملی ولز که در سال ۱۹۹۹ برگزار شد از سیستمی برای انتخاب کاندیداهای خود استفاده کرد که شانس پیروز شدن کاندیداهای زن افزایش یابد. پس از انتخابات عمومی سال ۲۰۰۱، قانون تبعیض جنسیتی (در گزینش کاندیداها) توسط پارلمان به تصویب رسید که این اجازه را به احزاب سیاسی می‌داد تا چنانچه تمایل داشته باشند، بدون نقض قانون استخدام، با هدف افزایش شانس انتخاب شدن کاندیداهای زن تبعیض‌هایی به نفع زنان قائل شوند.

#### - سن رأی‌دهی

قانون نمایندگی مردم مصوب سال ۱۹۶۹ سن رأی‌دهی را از بیست‌ویک سال کاهش داد.

#### - مجرمان

مجرمانی که جرمشان به اثبات رسیده و در زمان برگزاری انتخابات در زندان به سر می‌برند و در حال سپری کردن دوران محکومیت خود هستند حق شرکت در انتخابات را ندارند. اما افرادی که به‌طور موقت در بازداشت به سر می‌برند، زندانیانی که هنوز محکوم نشده‌اند و زندانیانی که به دلیل مسائل مالی و تخلف از قوانین کم‌اهمیت در زندان هستند می‌توانند رأی بدهند. در بریتانیا زندانیان محکوم شده از سال ۱۸۷۰ یعنی از زمان تصویب قانون مجازات، از حق رأی‌دهی محروم شدند. ریشه‌های محرومیت این دسته از زندانیان از حق رأی‌دهی را می‌توان در اصل «سلب حقوق مدنی» یافت که در واقع نوعی مجازات است که براساس آن کلیه حقوق شهروندی از فرد مجرم سلب می‌شود.

**۳-۳. مردم به چه کسانی می‌توانند رأی بدهند؟**

در بریتانیا، انتخابات در سطح محلی، منطقه‌ای، ملی و فراملی برگزار می‌شود. در سطح محلی انتخابات برای مشخص شدن اعضای شوراهای ناحیه شهرستان، شهر، کانتی و شوراهای کل برگزار می‌شود. در سطح منطقه‌ای برای تعیین مسئولان اداره‌کننده لندن، اعضای مجلس ولز، اعضای پارلمان اسکاتلند و اعضای مجلس ایرلند شمالی، البته تا پیش از تعطیل شدن آن در سال ۲۰۰۲، انتخابات برگزار می‌شود. در سطح ملی - که انتخابات‌های برگزار شده در این سطح انتخابات عمومی هم نامیده می‌شوند - شهروندان بریتانیا اعضای مجلس عوام در پارلمان را که در وست منیستر واقع است را بر می‌گزینند. در سطح فراملی هم برای مشخص شدن نمایندگان بریتانیا در پارلمان اروپا انتخابات برگزار می‌شود.

**۳-۴. برگزاری انتخابات**

در بریتانیا انتخابات توسط نهادهای حکومتی، اما به شیوه‌ای نامتمرکز، برگزار می‌شود. اداره مسائل و امور قانون اساسی (دیوان عالی سابق) مسئول تمامی امور مربوط انتخابات در کل بریتانیا و نیز مسئول رسیدگی به تمامی موارد ذکر شده در قانون «احزاب سیاسی، انتخابات و فراندوم‌ها» که در سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید، نظیر مسائل کلی برگزاری فراندوم‌های ملی و منطقه‌ای، ثبت نام از احزاب سیاسی، قوانین مربوط به کمک‌های مالی به احزاب سیاسی و مسائل مربوط به کمک‌های مالی ازسوی اشخاص ثالث، است.

اداره مسائل و امور قانون اساسی همچنین مسئول برگزاری انتخابات مجلس



عوام و پارلمان اروپا در انگلستان و ولز می‌باشد. دفتر معاون نخست‌وزیر هم مسئول نظارت و برگزاری انتخابات‌های محلی و انتخابات شهرداری‌ها در انگلستان و ولز و نیز تمامی انتخابات‌هایی که برای مشخص شدن اعضای مجالس منطقه‌ای در آینده برگزار می‌شوند، است.

وزیر امور اسکاتلند مسئول نظارت بر برگزاری پارلمان اسکاتلند و نیز اعطای کمک‌های مالی برای برگزاری این انتخابات است. وزرای اسکاتلندی مسئول تنظیم قوانین لازم برای برگزاری انتخابات حکومت محلی بوده و مقامات محلی هم مسئول سازمان‌دهی و برگزاری این انتخابات هستند.

وزیر امور ایرلند شمالی هم مسئول تدوین قوانین انتخاباتی لازم برای برگزاری انتخابات مجلس ایرلند شمالی است. رئیس کل امور انتخابات ایرلند شمالی نیز مسئول تمامی امور اجرایی انتخابات در ایرلند شمالی، منجمله برگزاری تمامی انتخابات‌ها و فراندوم‌ها و نیز ثبت نام‌های انتخاباتی در این منطقه است. رئیس امور انتخابات ازسوی پادشاه منصوب می‌شود. اداره انتخابات ایرلند شمالی سازمانی است که رئیس کل امور انتخابات را در انجام وظایفش یاری می‌کند. اداره انتخابات ایرلند شمالی متشکل از یک دفتر مرکزی که در بلفاست واقع است و ۹ دفتر منطقه‌ای که در سراسر ایرلند شمالی پراکنده‌اند، است. هزینه‌های اداره انتخابات ایرلند شمالی ازسوی وزیر امور ایرلند شمالی و از طریق دفتر امور ایرلند شمالی تأمین می‌شود.

**۳-۵. نقش کمیسیون انتخابات**

کمیسیون انتخابات بریتانیا که در نوامبر سال ۲۰۰۷ و به موجب قانون «احزاب

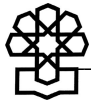


سیاسی، انتخابات و رفراندوم‌ها» مصوب سال ۲۰۰۰ تأسیس شد، یک سازمان مستقل است که بر درآمدها و هزینه‌های انتخاباتی احزاب سیاسی و کاندیداها نظارت دارد. این سازمان همچنین قوانین و آیین‌نامه‌های انتخاباتی را به‌طور مکرر مورد بررسی قرار می‌دهد و نیز اطلاعاتی در مورد فرآیند انتخابات در اختیار عموم مردم قرار می‌دهد. به‌علاوه این کمیسیون طبق قانون مسئول ارزیابی شیوه‌های رأی‌دهی به‌کار رفته در انتخابات از سوی مقامات محلی، با هدف ارائه شیوه‌های جدید برای رأی‌دهی است. این کمیسیون همچنین مسئول اعلام رسمی نتایج انتخابات پارلمان است.

در سال ۲۰۰۷ کمیسیون تعیین مرزهای انتخاباتی (که سابقاً کمیسیون حکومت محلی انگلستان نامیده می‌شد) و وظیفه‌اش بازنگری مرزهای انتخاباتی محلی است تبدیل به یکی از کمیته‌های فرعی کمیسیون انتخابات شد.

### ۳-۶. رأی‌دهی

رأی‌دهی در بریتانیا اجباری نیست. رأی‌دهی می‌تواند به‌طور حضوری یا در صورت لزوم از طریق پست و یا وکالت صورت گیرد. رأی‌دهی از طریق برگه‌های رأی‌دهی صورت می‌گیرد. اما اخیراً طرح‌هایی در رابطه با رأی‌دهی الکترونیک به مرحله اجرا در آمده‌اند. در سال ۱۹۹۷ یک گروه تحقیقاتی از سوی حکومت برای بررسی شیوه‌های رأی‌دهی تشکیل شد. این گروه پس از بررسی شیوه‌های رأی‌دهی موجود توصیه کرد تا شیوه‌های جدیدی برای رأی‌دهی به‌طور آزمایشی به‌کار گرفته شود. این توصیه در قانون نمایندگی مردم مصوب سال ۲۰۰۰ مورد توجه قرار گرفت، براین‌اساس به مقامات محلی توصیه شد از شیوه‌های جدید رأی‌گیری در انتخابات



انگلستان و ولز استفاده کنند. بنابراین، آیین‌نامه‌های انتخاباتی جدیدی که در آنها استفاده از رأی‌دهی الکترونیک و شمارش آرا به‌صورت الکترونیک گنجانده شده بود به‌کار گرفته شدند. در گزارشی که در سال ۲۰۰۳ توسط کمیسیون انتخابات در مورد به‌کارگیری رأی‌دهی الکترونیک منتشر شد، نتیجه استفاده از این شیوه رأی‌دهی مثبت ارزیابی شد و استفاده گسترده‌تر از آن در انتخابات‌های آینده مورد تأکید قرار گرفت. این توصیه توسط حکومت هم مورد قبول واقع شد.

### ۳-۷. مقررات انتخابات: مقررات مالی و سیاسی مربوط به رأی‌دهی

– **درآمدهای احزاب:** سقف درآمدهای احزاب، محدودیت‌های اعمال شده بر درآمدهای آنها و مقررات مربوط به افشای درآمدها در بریتانیا سقف خاصی برای درآمد احزاب در نظر گرفته نشده است، اما دریافت کمک‌های مالی از منابع ناشناخته توسط احزاب ممنوع است.

درآمد احزاب مشمول مقررات مربوط به افشای درآمدها و هزینه‌ها می‌شود که براساس قانون «احزاب سیاسی، انتخابات و رفراندوم‌ها» مصوب سال ۲۰۰۰ لازم‌الاجرا شدند. براین‌اساس مقررات احزاب سیاسی موظفند هر سه ماه یک‌بار میزان پول‌های دریافتی خود را که بالاتر از ۵۰۰۰ پوند (زمانی‌که توسط سازمان مرکزی حزب دریافت شده) یا بالاتر از ۱۰۰۰ پوند (زمانی‌که توسط شاخه‌های محلی حزب دریافت شده) است طی گزارشی به کمیسیون انتخابات اعلام کنند. سپس کمیسیون انتخابات این گزارش را منتشر می‌کند.

– **هزینه‌های احزاب:** سقف هزینه‌های احزاب و مقررات مربوط به افشای هزینه‌ها



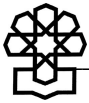
اعمال محدودیت بر هزینه‌های انتخاباتی احزاب سیاسی برای نخستین بار در سال ۲۰۰۰ و براساس قانون «احزاب سیاسی، انتخابات و فراندوم‌ها» صورت گرفت. میزان پول‌هایی که یک حزب می‌تواند هزینه کند براساس کاندیداهایی که آن حزب برای شرکت در انتخابات معرفی کرده است، مشخص می‌شود. همچنین مقرراتی در رابطه با افزایش هزینه‌های صورت گرفته از احزاب سیاسی در بریتانیا وجود دارد.

### ۳-۸. کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم دولتی

احزاب سیاسی می‌توانند از کمک‌های مالی دولتی استفاده کنند، البته به شرط آنکه در مجلس قانونگذاری نماینده‌ای داشته باشند. کمک‌های غیرمستقیم دولتی، نظیر دسترسی رایگان به رسانه‌های جمعی، نیز در بریتانیا وجود دارد و براساس تعداد کاندیداهایی که در انتخابات شرکت کرده‌اند بین آنها تقسیم می‌شود. همچنین احزابی که به اندازه بیش از یک‌ششم کرسی‌های پارلمان ملی، پارلمان اسکاتلند، مجلس ملی ولز، مجلس ایرلند شمالی، مجلس لندن یا انتخابات‌های محلی کاندیدا معرفی کرده‌اند می‌توانند به‌طور رایگان در زمان‌های مشخصی از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی بهره‌مند شوند. کمک‌های غیرمستقیم دولتی شامل معافیت‌های مالیاتی نمی‌شود و بنابراین احزاب از معافیت‌های مالیاتی برخوردار نیستند.

### ۳-۹. میزان جمعیت شرکت‌کننده در انتخابات

معمولاً میزان جمعیت شرکت‌کننده در انتخابات پارلمان اروپا در بریتانیا بسیار پایین است. در سال ۱۹۹۹ میزان انگلیسی‌هایی که در این انتخابات شرکت کردند ۲۴ درصد



بود که پایین‌ترین میزان مشارکت در انتخاب پارلمان اروپا در کل کشورهای اروپایی محسوب می‌شد. در سال ۲۰۰۴ در انتخابات پارلمان اروپا، تعداد بریتانیایی‌هایی که برای مشخص شدن تکلیف ۷۸ کرسی بریتانیا در پارلمان اروپا (قبل از توسعه اتحادیه اروپا، بریتانیا ۷۸ کرسی در پارلمان اروپا داشت) در این انتخابات شرکت کرده بودند ۳۸/۲ درصد بود. طی سه دهه گذشته میزان جمعیت شرکت‌کننده در انتخابات پارلمانی انگلستان بیش از ۷۰ درصد بوده است. با این حال در انتخابات سال ۲۰۰۱ این میزان کاهش یافت به‌گونه‌ای که تنها ۶۰ درصد رأی‌دهندگانی که ثبت‌نام کرده بودند در انتخابات شرکت کردند.

### منبع و مأخذ

- Vassia Gueorguieva, Rita Simon, Voting and Elections The World Over, Lexington Books, 2009, United Kingdom.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۲۳۲

عنوان گزارش: فرآیند رأی‌گیری و انتخابات در کشورهای مختلف (۱) (کانادا، ایالات متحده و بریتانیا)

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

ترجمه و تدوین: ابوذری رفیعی قهساره

ناظر علمی: ابوذری گوهری مقدم

متقاضی: معاونت پژوهشی

سرپرستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. انتخابات

۲. رأی‌دهی

۳. کانادا

۴. ایالات متحده

۵. بریتانیا

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۲/۲۹